



«ایرج»

پرونده طفل

صبحدم کاین طایر چرخ آشیان آفتابی گر دد از بالای کوه
تافته رخ، بال بکسو بان پرزنان از پرو بالش چمن کیرد شکوه
نغمه خوان مرغ سحر یرشا خسار

بینی آن پروانه خوش خال و خط بسته بیر و ن از غلاف بیر هن
با پرو بالی پر از زرین نقط سر زند یک، یک بگلهای چمن
بوسند این را غیب و آن را عذار



همچنان آن طفلک شیرین زبان بارخ سرخو سپید از شیر و خون
آن دو چشم برق زن چون اختران سر کند شادان ز شادیچه بیرون
بنگردد اطراف خود را شاد خوار

با تبسم های شیرین تر ز قند هیچو پروانه گشاید بال و پر
بر جهد ازجا، چو از مجمر سپند دست ما در بوسه و روی پدر
این در آغوشش کشد آن در کنار



گو یند مرا چو زاد ما در بستان بدهن گرفتن آموخت
 شنبها بر گاهواره من بیدار نشست و خفتن آموخت
 دستم بگرفت و پا بپا برد تاشیوه راه رفتن آموخت
 يك حرف و دو حرف برز بانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت
 لبخند نهاد بر لب من بر غنچه گل شکفتن آموخت

پس هستی من ز هینیتی او ست
 تا هستم و هست دا ز من دوست

از طرف مدیریت نشرات داخلی ریاست مسئول مطبوعات

مهمم : محمد یوسف «روشنفکر»

اول سرطان ۱۳۳۸

دولتی مطبعه





فرزندان خود را گرامی دارید و نیکو-تر بپوشان کنید.
حضرت محمد (ص)

هنرمند شما

این طفل زیباست برای آنکه می خندد، برای آنکه
با روح سرشار سلامت جسمی را نیز در اختیار دارد.
زیبایی و سلامت این کودک زیبا پدیدۀ هنر تربیت پدر و مادر است.



و ورزیده ایست که با وجود چهرۀ باز، آغوش
گرم و سیمای بشاش نشان نداده اند.

طفل درین مرحله زندگی از گرم
و سرد، تلخ و شیرین روزگار بی خبر
است، جز لبخند مادر و جبین کشادۀ
پدر دیگر قادر-بادراك چیزی نیست
او با همه کودکی و بی خبری روح
توانا و حساسی را داراست از اندک
خشونت شما میلرزد، خوف میکند
میگیرد و در نتیجۀ سلامت جسم و نشاط
روح خود را می بازد. ☆

نگاه کنید! در چهرۀ این
کودک زیبا هنر پدر و مادرش
نقش است اوامر و زجر برابر چشم
شما و فر داد-در برابر اجتماع
می خندد.

❦ شما که پدر و مادر مهربانی هستید بکوشید طفلتان ازین خطر
مصون بماند .

در برابر طفلتان خسته و ناتوان آشفته و آزرده جلوه نکنید.
زیرا روح او شکنجه میشود و عذاب میکشد بر عکس لطف
وصفای شما باو شایسته و سرور میبخشد، باشما میخندد، مستانه دست
و پامیزند تا هم شمارا راضی ساخته باشد و هم آینده خود را مسعود .



❦ خدا رحمت کند زنانی را که بانام مشقات
زندگی در تربیت فرزندان خود کوتاهی نمیکند
رسول اکرم «ص»

❦ آینده کودکان بسته به تربیت مادران است
«بنابارت»

برای شب پیری در روز جوانی باید
چراغی تهیه دید «و این چراغ اولاد باتریه و منور
افلاطون است»

محبت خود را به طفل تان بدهید مگر افکار خود را بروی تحمیل
نکنید زیرا او افکار علیحده ای غیر از شما خواهد داشت

جبران خلیل

گریه طفل

گریه طفل عوامل زیادی دارد که بعضی از آن معلوم و برخی
مجهول میباشد .

علت معلوم مش آنست که در برابر اعمال و بیش آمدن شما میگرید
مثلاً، موقعی که مخالف آرزوی او حرکت میکنید ، یا او بجرم
فعل نا مطلوبی تنبیه میشود یا خطای او به خوشونت شما مواجه میگردد .

عامل مجهول گریه طفل،

احساس ناراحتی های

باطنی ، ناشی از مرض ،

گرسنگی ، سرما و گرما ،

مساعده نبودن بستر و لباس

و امثال آنست که بررسی

در رفع اینگونه عوامل ،

مشکل بزرگی را برای



پدر و مادر بار میآورد . ولی جلوگیری از عامل نخست سهل است زیرا پدران و مادران فهیم و ورزیده میدانند طفل از چه چیزی اذیت میشود و آنگاه با اجتناب از آن ، می کوشند نشاط و مسرت کودکشان را لطمه نزنند .

در حالت نخستین که گریه طفل علت خارجی دارد یعنی عامل گریه خارج از وجود خودش، بر او اثر میکند گریه برای طفل مفید است ، زیرا بار یختن چند قطره اشک از عواقب نا مطلوب و خطرناك عملی که بر طفل اثر کرده، میکاهد و تا اندازه دردی را که احساس کرده تخفیف می بخشد . پس بر شماست موقعیکه اطفال تاثر را روحاً و یا جسماً تنبیه میکنید و اشک او را میریزید بگذارید تا موقعیکه میل دارد بگرید و خودش خاموش شود . زیرا در اینگونه موارد طوریکه تجربه نشان داده ممانعت از گریه طفل ، اثر جبران نا پذیری در روح وی باقی گذاشته است .

اما در صورت دوم بکوشید علت گریه را با ترتیب و تعاملی که زودتر نتیجه بدهد در وجود طفل سراغ کرده و در ازاله آن سعی کنید . اینست یکی از رموز تربیت امروز .

فرزند مانند عهد نامه صلح است در عین اینکه طرفین از آن
... ناراضیند مجبورند به آن احترام کنند

چردامن و پرگتون

اگر می‌خواهید اطفال تان از آغاز با آداب معاشرت آشنا شود،
از ورود در حلقه و محفل شرم نکنند و از جمعیت همکاران گریزان نباشد.
اگر آرزو دارید اطفال تان صاحب روحیه قوی جسور و تنومند باریابند.
اگر میل دارید

طفل تان در کانونی
که خودش راضیست

روزگار را
بخوشی بگذراند.

اگر می‌خواهید
سعادت آینده آنانرا

تأمین کرده باشید
و در نبرد با پیمش

آمدهای زندگی

و معامله بادیگران از
حال ایشان رورزیده

بار آورده باشید.



اگر آرزو دارید صحت و سلامت اطفال خویش را وقایه کرده
و آنانرا از بازی هاییکه تندرستی و سلامت شانرا تهدید میکند
محفوظ داشته باشید... بهترین اقدام شما درین راه تسلیم آنان به ویرگستون
است ...

يك قدم مفید درین راه بگذارید و اطفال تانرا از خطر هانجات بخشید !!

محبت مادر

مادری دو فرزند داشت که خورد ترین آنها
پنج ساله بود روزی که این مادر فرزند کوچک
خود را نوازش مینمود .
طفلك كو چك بما در خود گفت .
مادر ك محبوب من...!
نمیدانید که من شما را چه قدر دوست دارم ...
شاید شما مرا آنقدر دوست نداشته باشید ...
مادر پرسید .
- چرا ، بچیم ؟
- طفلك خورد جواب داد . شما دو بچه دارید .
ازین سبب محبت قلبی شما دو تقسیم گردیده است
ولی من تنها يك مادر شیرین دارم و بس ! ...

از موقعی که اولین تبسم بر لبهای طفل ظاهر میگردد زمان
..... تربیت وی آغاز می شود .

طفل و بازیچه

برای حفظ نشاط اطفال و رشد و نمو فکری آنان بهترین
وسيله فراهم نمودن وسایل سرگرمی و ساعت تیری آنانست .

اطفال از همه بیشتر باشیای
دور پیش خود علاقه دارند، میکوشند
هرطوری باشد آنرا بدست بیاورند
و خود را مشغول سازند خواه این
اشیا شکستنی و ریختنی باشد و
یا کلفت و درشت .

پس از همه او لتر باید در صدد
تفریح و مشغولیت آنان شد و برای
این منظور بازیچه های مناسب
و پسندیده که ضرری از افتادن
و برداشتن آنها برای طفل متصور
نباشد انتخاب کرد .



بازیچه اطفال را بخود جلب کرده نمیگذارند هر طرف دست و پا
بیندازند و بحر کات خطرناک اقدام کنند .

بکوشید این بازیچه‌ها جانب و مقبول بوده و مطابق فوق اطفال
باشد و بتواند با آسانی آنرا مشغول سازد .

اشیای برنده و درشت از قبیل قیچی ، کارد چنگال و غیره را
نباید در اختیار و دسترس اطفال گذاشت زیرا اگر این خطا از شما
سرزد، خساره بزرگی را منتظر باشید .

حق فرزند بر پدر آنست که ویرا نوشتن
و شناختن اندازهی بیاموزد و غذای خوب بخوراند
و همینکه به حد بلوغ رسید زنی برای او بگیرد .
حضرت محمد (ص)

اطفال بیشتر به دستور روی سر مشق محتاجند تا انتقاد و عیب جوایی

نشاط طفل

هر پدر و مادری در سیمای فرزند خویش نشاط و شادمانی میجوید.

طفل خندان و شادمان مقبول همه کس واقع می‌شود.

يك لبخند طفل کافیهست چند ساعت زنده‌گی و خستگی و کدورت شما را بزدايد.

برای آنکه فرزندتان شما بنچین هاری آراسته باشد، بکوشید

برای زنده‌گی شب‌روزی او پروگرامی وضع کنید تا بوقت بخوابد و برخیزد، بموقع بخورد و بیا شامد.

روزانه برای ساعتی تفریح کند و در هوای آزاد به سپورت و ساعت

تیری بپردازد.

بحرکت

و خواسته

های او

عموماً

قید نگذارید

آزادی او را

احترام

کنید.

(۹)



زیرا روح بزرگ طفل باکو چکی جسم او نسبتی ندا رد و چنین
چیزی را از شما خواستنی است .

موقعیکه از طفل شما کار نامطلوبی صادر شود بخشونت مانعش
نشوید، بلکه، بکوشید باحوصله و به ملایمت عملش را انتقاد کنید .
مراعات این نکات بظاهر کوچک شادمانی و نشاط را در طفل
شما زنده میسازد.

آنانی که به هنر خنده ملتفتند می گویند سلامت روحی کودک
شانرا ازین راه نیز میسازند .



✽ بچه تشار زنده گیت صحنه - زین آن را مردم
می بیند و پشت صحنه درهم برهم را مادر (مثل ترکی)
✽ اطفال آنچه مابین سن هجده ماهگی و سه
سالگی راجع به دنیا و قوای خود شان و طبیعت
اجسام می آموزند از آنچه که در بقیه مدت عمر
خویش خواهند آموخت به مراتب بیشتر است .
لرد بروکام

طفلیکه با ر و شنایی و قوت در اجتماع وارد میشود ، محصول عظیمی است که پدر و مادر بجمعیت میدهند و ز ر گترین وظیفه خود را ا ج ر ا می-کنند ...

فرزند پیدار

تنها غذای کافی نمیتواند ضامن سلامت و شادمانی طفل شما گردد

غذای کافی ناراحتیها و پیریشانیهای طفل را از میان نمیبرد ، فرحت و صفای طفل ارتباط بتربیت دارد و تربیت طفل در عهدهی والدین است ، طفل از آغوش پدر و مادر در اجتماع وارد میشود ، بنابراین بایستی این فرزند اجتماع ، در انبوه جمعیت ، در میان مردم محیط يك موجود روشن و تابان باشد .

كودك مثل يك صفحه ی سفید است ، هر چه بر این صفحه بنویسید همان میماند . این صفحه را سیاه ساختن گناه است ، این گناه اگر بوسیله والدین صورت گیرد اجتماع را میلرزاند . و تیره می-گرداند ، برای اینکه والدین نخستین محرك گهواره ی



تر بیت طفل میباشند، اگر در این
جنبش طفل بد بار آید در اجتماع
نیز تیره میماند.

طفل نیازمندیهایی معنوی
دارد، این نیازمندیها با بستنی حتماً
بر آورده گردد.

عصبانیت و تند خویی پدر و مادر
در روح طفل تأثیر ناگوار میاندازد
طفل اگر با ملایمت از آنچه
میخواهد انجام بدهد باز داشته
شود، هرگز متأثر نمیشود. اگر
طفل را طوری بار آوریم که جز
خوبی چیزی نخواهد در روزهای
بعد مجبور نمیکردیم او را با



عصبانیت و تند خویی از کار یا حرکتی باز داریم.

اطفال از طرز برخورد بد و ناهنجار پدر و مادر شکایت
میکنند، این شکایتها موجب می شود که آنها را موجودات بیعلاقه
پدر و مادر و نافرمان و متمرّد بار آورد. فحش و بدگویی طفل

رامی رنجا ند ، همچنین تو سل بسنگ و چوب برای تنبیه وی
نیز او را رنج میدهد و در روحش اثر نامطلوب میگذارد .

گفتگو های بیمورد ، اختلاف های جدی یا جزیی ، کلمات خشن
وزننده پدر و مادر بر طفل تأثیر می کنند و این گفتگو ها و نزاعها
وی را از پدر و مادر دور میسازد ... همچنین توجه پدر و مادر بیک
طفل و محبت فراوان ایشان باو ، در روحیه ی فرزند دیگر ایشان اثر
نا مطلوب میاندازد و در او حس بد بینی و حسادت را تولید می کند
و موجب خطرات عظیم می گردد . پدر و مادر محبت خود را برای
فرزندان خود مسئوی قسمت نمایند ، تا از حسادت و بد بینی اطفال
جلو گیری کرده باشند .

در تربیت طفل بنکاتی توجه گردد که برای آتیه ی وی سود
فراوان دارد ... کودک اگر بد روغ کوی و کردار زشت تشویق شود
در جوانی نمیتواند از گیر این تیرگی نجات یابد و راست با شد دروغها
و نادرستیهای طفلی در جوانی اثر میاندازد و جوان را منحرف میکند .

با کودک بایستی همیمانۀ رفتار کرد ، با او مهربان بود و در برابر
وی از تند خویی و عصبانیت پرهیز نمود ... طفل که سنجکاو است

میخواهد در مورد همه چیز معلوماتی داشته باشد ، بسوالات وی درست جواب باید گفت و او را از تاریکی بیرون آورد ، این وظیفه حتمی پدر ، مادر و هر فرد جوان و فعال است .

سعی کنید بر محاسن طفل بیفزایید و این مسؤولیت عظیم را از دوش دور نمایید . طفلی که با روشنایی و قوت در اجتماع وارد میشود محصول عظیمی است که پدر و مادر به جمعیت می سپارند و بزرگترین وظیفه ی خود را انجام میدهند .



کودک در سائۀ تعلیم و تربیت ، جوان لایق میگردد . ولی اگر عللیل بوده تربیۀ ناقصی داشته باشد در مدرسه نمیتواند پیش برود و در زندگی اجتماعی نیز ناکام میگردد .

❀ لذات حیاتی و حقیقت زندگی را در خدمت بنوع و محبت با مردم و تربیۀ اولاد جستجو نمایید
= مرابو =

❀ طفل با تربیۀ کمیای سعادت است « ۹ »

همکاری بین اطفال

اطفال امروز مردان آینده مملکت اند، سعادت اجتماع در سعادت آنان نهفته است، کودک امروز هر قدر با هم صمیمی و همکاری باشند، بهمان پیمان در زندگی موفق بوده و پرتو این پیروزی و آبرومندی شان بر جامعه و مملکت می غلظد. حس همکاری

و تعاون،

وقتی

می توانند

در بین

افراد

یک جامعه

نفوذ داشته

باشد که

از همان

روزهای

نخست، ☆

(بقیه در

صفحه ۱۸)

(۱۵)



آواز گهواره

پسر کوچکم را در گهواره تکان میدهم، پاره تنم را بخواب میبرم
دنیارا با بازوان خود، میان دوسنگ آسیا نرم میکنم.
دنیا، دنیای بزرگ، بابازوان ناتوان زنی، نرم می شود و شکل
غبار سفیدی بخود میگیرد، غباری که از بام و از پنجره های خانه
زره زره، وارد اطاق من می شود. و مادر و فرزند را در زیر خود
می پوشاند.

برای طفلکم للو، للو، می گویم تا او را بخواب کنم اما همراه
او همه تپه ها، همه جویبارها، همه آنچه را که آفریده شده،
همه آنچه را که آفریده خواهد شد در گهواره تکان میدهم.
او را تکان میدهم، ولی اندك اندك می بینم که طفلک من از نظرم
محو می شود. دیگر نه گهواره را می بینم و نه فرزندم را دیگر دنیارا
هم نمی بینم به پیشگاه آنکس که دنیا و فرزندم را بمن داده فریاد
می زنم، صدا باستغاثه بلند میکنم. آنوقت ناگهان از فریاد خود دم
بیدار می شوم، می فهمم که بالای سر فرزندم در خواب رفته بودم.
میتسرال.

ای طفل

مادرت هنوز هیچ چیز از تو نمیدانست ، نمیدانست بتوجه خطاب
خواهد کرد همچنانکه نمیدانست که تو با و چگونه خواهی
فکریست .

روزها غالباً نگرانی مرموزی احساس میکرد . مثل این بود از
رنج که از جاب تو خواه دید نگران بود . بارها بی اختیار انگشتان
ناتوان خود را بر آنجا که دل تو در تپش بود می نهاد ، تا وجود
ترا احساس کند .

همچنانکه يك بامداد بارانی زمینه را برای طلوع خورشید فروزان
آماده میکند ، او نیز ترا اندك ، اندك از دنیای خاموش و تاریکی
برای سفر این جهان آماده میکرد . تو آنوقت ، ای کودک زیبا ، هنوز
درین دنیا نبودی ، و با اینوصف ، همه جابودی . . .

(کاروسا)



ووقتیکه هموز زشتی ها و ناپاکی های محیط بر روح معصوم شان اثر نکرده و طفل می باشند به این راز آموخته شده باشند و برای همدردی و همکاری یکدیگر تر بیت گرفته باشند .

وقتی میان اطفال حس همکاری بیدار شد و با یکدیگر صمیمی و رفیق شدند ، آنوقت این رشته فامیل ها و خانوادها را بهم نزدیک ساخته و بالاخره عامل اتحاد و پیوستگی جماعات می شود . این نزدیکی بین افراد و اجتماع علتی می شود که علت های منفی را از بین برده و جوامع را برای مقابله با حوادث نا مطلوب و مصایب تقویت می بخشد .

پس بر پدران و مادران است ، تا اطفال خود را طور ی تر بیت کنند که همکار یکدیگر بوده و حس صمیمیت در دل های شان تابان بماند .

روش پدر و مادر و دیگر افراد فامیل تأثیر مستقیمی بالای تربیت اطفال دارد و بهتر اند از هائیکه بین آنان همکاری و صمیمیت قوی باشد میان فرزندان شان این موهبت بزرگ بهن می شود . پس برای سعادت جامعه و پیروزی آینده فرزندان خویش باید همکاری و صمیمیت را به آنان بیاموزیم . از همکاری باید بایشان داستانها گفت و آنرا در قول و فعل بایکدیگر بکار بندیم تا آنان از هائیامرزید .

موسیقی دنیا ۴ بخش د ردها است ..

طفل و موسیقی

موسیقی با عتراف کل هنراست و هنر غذای روح ..
سلامت روح نیاز مندی جسم: ارفع میکند و آنرا نیرو و قدرت می بخشد .
موسیقی برای آرامش باطن و صحت روان خدمت میکند
و داروی مؤثر است ، بکوشید از بن اکسیر و ازین آب زلال
برای روح تشنه طفل تان استفاده کنید .
ساز زندگی طفل را با هنر موسیقی سر کنید ، نشاط
و شادمانی ، طفل را با آن بخیرید ، سعادت و افتخار ، نیر و مندی
و قدرت طفل را که از مسرت روان منبع میگیرد با موسیقی حفظ کنید .

این دو طفل

زیبا ، خواهر

و برادر مهربانی

هستند زندگی را

به کمک هم

پیش میبرند ،

شب و روز را

کنار هم

(۱۹)



میگند را نند، با مشکلات به کمک هم مجادله میکنند و در برابر حوادث متفقا قیام میو رزند .

زندگی هنری خویش را هم یکجا آغاز کرده و اینک به یاری هم ساز می زنند و آواز می کشند .

از پرتو نشاط این دو طفل، زیبا خانوادۀ شان نیز بهره مند است .

شما هم اگر میخواهید چنین سعادتِی دست یابید فرزندان خود را با هنر آراسته تربیت کنید ...



برای مادر

طفل- مادر جان فردا که جشن تولدی تو ست
میخواهم برایت يك گلدان چینی سبز پیدا کنم !
مادر- عزیزم گلدان چینی که دارم !
طفل- می دانم اما ... من آنرا شکستم

نگاه‌های امروز

یک‌دسته از اطفال که زندگی آینده را پیش روی دارند، امروز طفل اند، جهان در نگاه شان جز همان نقش ظاهر نمی‌نماید، به آینده می‌نگرند، در افق مغشوش و تیره آن خواسته‌های کودکانه خود را می‌پالند، آینده ای که هنوز در چشم شان تاریک است، اما درین تاریکی هزاران ارمان و آرزوی نهفته دارند، آرزوئیکه بشر را از آغاز تا انجام دامنگیر است.

نگاه کنید درین

چشمان معصوم چه می‌خوانید
و درین نگاه‌های پرتماچه
نهفته است، از شما انتظار
دارند، از شما می‌خواهند
و در شما می‌جویند !! .

آری این چشمان معصوم
وامیدوار از شما پرورش
انتظار دارند، لطف
می‌خواهند و در شما مهر
و عاطفه می‌جویند .



این گل‌های زیبا که با هزاران خار و خس در دامن شما افتاده
به توجه شما نیازمند می‌باشند . باید ملتفت بود که اندک توجه
و دقت شما ، عامل خوشبختی آنان می‌گردد و کوچکترین تغافل
بدبختی شما را فرا هم می‌سازد .



پیمان با فرزندان

هر پیمان مقدس می‌باشد ، اما پیمانیکه
با فرزندان خود می‌بندید ، مقدس‌ترین پیمانهاست .
این قلب کوچک و این روح پاک ، سرشار از
اعتبار و اطمینان ، عشق و دوستی ، محبت و احترام
برای شما است . پس چرا این احساسات شیرین
را با شکستن پیمان خویش از میان می‌برید ؟
با فرزندان خود بسر پیمان باشید تا آنان نیز
در زندگی پیمان شکن بار نیایند .



حلقه ...

های ...

کوچک ...

نظام کائنات بر آن استوار است که هر موجود و معصومی از
نقص بسوی کمال برود.



طفل كو چك، نیز كه يك وقت نامش روی صفحه هستی
ر یخته نشده بود هما نظور ر یكه هست شد هما نظور بسوی
كمال میرود ...

رشد میکند و به نمو میرسد موزی با ین رشد و نمو جامعه
فعلی وی نیز انکشاف میکند همانطور یكه در زندگائی روزانه
طفل پدیدده های نوی وارد می شود و یروی جسمانی و قدرت
معنوی او هر آنی تغییر مییابد هما نظور محیط مربوط بطفل در
پهلوی تحولات طفل بسوی ارتقا و تحول میرود، از همین جاست
كه رهبران کاروان بشری و پیشوایان جوامع تأکید میکنند
باید اطفال خود را برای آینده و مطابق بخواسته های آینده
تربیت کنیم، اکنون مشکل وظیفه کسانی را كه تربیت كودك
و یا كودگانی را بعهده دارند. بحسب شما میگذاریم ...

اما نکته قابل تذکر اینست كه همین حلقه های
كوچك امروزی كه در دبستانها، و ركتونها
و مكاتب ها فارغ از هر اندیشه دیگر میاموزند و پرورده میشوند
و دیگر از هر گرم و سردی بی خبرند روزی حلقه های بزرگ
و بزرگتری را بهم ارتباط می دهند جامعه نوی را اساس

میکند آرند ، طرح مدنیت تازه ای را میریزند ، بر ای رسیدن به
پیروزی ها و موفقیت های بزرگتری جهد میکنند و بامشکلاتی
که اکنون در حیطه تصور ما نمی گنجد رو برو می شوند اینان
در آینده افتخارات ما و جامعه ما را حفاظت میکنند تمام آنچه
گفته شد از قدرت و اختیار کودکان امروزی ما پدید خواهد
آمد اما بیک شرط ، بیک شرط ساده ، که :

حلقه های کوچک امر و زی را باید ارزشی قابل شد و تربیت
و پرورش آن را صمیمانه بعهده گرفت .

این حلقه های کوچک فردا حلقه های بزرگی را تشکیل
خواهند داد ، این جمع نا توان فردا جماعت نیرومندی را بار خواهد
آورد ، این موجودات که اکنون بهر چه در ماحول شان قرار
دارد سطحی می نگرند و قوه تفکر و تحلیل در اشیا و حوادث را
ندارند فردا قضایا را بررسی ، تجزیه و تحلیل میکنند بگذشته
و حال می اندیشند آنگاه هست که نقد زحمات و محصول
تربیت ما را چون کارگرو یا دهقانیکه در پایان کار محصول
زحمتش را تسلیمش میدهند بکف همامیگذارند .. بد بخت کسانی
خواهد بود که طفل امروزی خویش را در قالب مرد شریرو
انسان شقی آینده ، بریزد ...

چون که آینه این حلقه های کوچک را با دیدن و احترام
و احترام کرد و در نظر داشت که آن دیدن لغزش در تربیت
امروزی اطفال، فردا آنان را از سعادت به تفاوت میکشاند ..
وظیفه ماست تا این گل های خوش رنگ و جو را برای آینده
گل تربیت کنیم نه خار

~~~~~

فرزند بد کار مانند انگشت ششم است اگر پیرندش رنج برند و اگر  
نگاهش دارند زشت نماید .

~~~~~

مادر با دستی گهواره و با دستی دنیا را
تکان میدهد .
خنده فکر را قوی و بدن را توانا میسازد
لهمذا بکنو دین اطفال شما خندان باشد «ژول سومون»

اطفال....

عائله ها در اعتنا به تربيه طفل يا از افراط كار ميگيرند و يا كاملاً اهمال ميكنند. به عبارت ديگر بعضي عائله هائي وجود دارد كه آنها با هتمام درباره اطفال ونشو ونماي ايشان حسب مقتضيات علم وفن احتياج حس نميكنند. اطفال معصوم اين عايله ها در كوچه ها فاقد تربيت بزرگ ميشوند.

به مثل گياه خود رو خود بخود نشو و نما مينمايند. از طرف عائله منسوبه شان در باره تربيه، اخلاق، سجيّه فكر حتي انكشاف بدني آنان كوچكترين سعي هم بخرج داده نميشود. اين نوع عائله ها بكلي غافل هستند و نميدانند كه طفل در يك دنياي جد يد زيبست خواهد كرد و اين دنيا مقتضياتي دارد كه بايد از همين وقت براي مؤفقيت در آن آماده كرده شوند اين عائله ها، از جرم خويش كه در تربيت اطفال از ايشان پيهم سر ميزند خبري هم ندارند.

برعكس در بعضي عائله هاي ديگر پدر و مادر هائي وجود دارند كه درباره اطفال خود بيشتر مشكل پسندي مينمايند و زائده از حدي كه لازم است بر خود قيود مي گذارند اطفال خود را بسيار غذا ميدهند بيشتر لباس مي پوشانند آزادي شان را در اجراي حر كات بسيار

زیر قید و بست می آرنند طفل زیر
اینقدر توجه و اهتمام زیاده از حد
اسیر میشود . حریت خود را
از دست میدهد .

از صحت - حیات - تحصیل
و تربیه خود مسئولیت شخصی حس
نمیکند . او میخواهد که هر چیز
برایش بوسیله دیگران حاضر و
آماده گردد . اکنون باید گفت
که این هر دو شکل تربیه غلط
و بی اساس میباشد . در عوض لازم
است که عائله ها در تربیه طفل
راه اعتدال را پیموده این هر دوسر
و نوک را بهم جمع نموده نقطه
وسط را خط مشی قرار بدهند .
تمایلات طبیعی و حسی طفل را
در داخل دائره علم و فن تنظیم و سوق

و اداره نمایند پدر ها و مادرها در موضوع تربیه و اهتمام طفل نه بمانند
اشخاص دسته اول آنقدر احوال کار و لا قید نه بمانند شاملین دسته





دوم آنقدر مقید
باشند . باتلقیمات
و نصائح اعتدال
پسندانه خود
به انکشاف طبیعی
طفل رسیدگی
و معاونت بنمایند.

اطفال از خور و دسالی به ارشاد و رهبری محتاج هستند مادرها میتوانند
که اطفال خود را حتی از اوقات بازی شان هم استفاده نموده ایقاز بکنند
تهیه بازیچه های مناسب برای اطفال که از یکطرف موجب استفاده
و تربیه ایشان بشود و از طرف دیگر ذریعه آن ساعت تیری
و مشغولیت شان فراهم گردد مفید است طفلی که در ابتداء این بازیچه
هارا صرف برای ساعت تیری و ذوق خود استعمال می نماید رفته رفته
بشکلی که در تربیه او مفید واقع شود بکارانداخته میتواند
مشروط بر این که درین وقت پدر و مادر در مورد استعمال این بازیچه هارا
در مقاصد مختلفه برای شان توضیح بکنند و برای طفل درین خصرص
رهبری لازم بنمایند . هرگاه پدر و مادر صورت استفاده صحیح
بازیچه را برای اطفال خود نشان بدهند چیزهایی را که ممکن است
بذریعه خود اطفال ساخته شود بر ایشان ارا نه بنمایند ، آنوقت
از تمایل طبیعی اطفال خود به استعمال بيمورد بازیچه ها و بازی های
تهلکه آور جلو گیری خواهند کرد و از حرکت ایشان به راه های

غلط و ناپسند مانع خواهند شد. مانند مسائل و خصوصیات دیگر درین موضوع هم بین تربیه فکری بدنی و روحی طفل يك نوع علاقه و ارتباط وجود دارد. پس طفل باید طرز استعمال بازیچه هائی را که در دسترس او قرار گرفته است یاد بگیرد.

این بازیچه ها و این معا و نتها در نتیجه طفل را بسعی شخصی و حل مشکلات آشنا میسازد. روحاً استقلال حس میکنند. بر اقتدار و قابلیت ذاتی خود متجسس میگردد.

طفل از بازیهای که شخصاً آنرا ایجاد میکند نهایت مسرور میشود. ولی بزودی از يك بازی و يك نوع مشغولیت بیزار و دلتنگ میگردد. همین وقت است که مربی باید بازی دیگری باو نشان بدهد. رهبری وجود داشته باشد که طفل را بشکل صحیح استعمال با بازیچه و کار گرفتن از آن را رهبری کند برای حصول این مطلب مربی باید در استعمال از بازیچه هدفی را در نظر بگیرد سپس طفل را بتقلید اعمال خود وادار نماید مثلاً از مکعبهای خورد سفال و ریگ استفاده نموده برای طفل چهار پنج ساله ساختن خانه پل و امثال آن دیگر چیزها را بیاموزد و او را بسکار و مشغله وادار سازد بر عکس اگر بازیچه را بطفل داده او را خود سر و لاقید بگذا رند. طفل منتنها يك دو شکل بازی مختلف را یاد گرفته ولی بالاخره دلتنگ شده بازیچه ها را بيك سو میاندازد و بی کار دیگر میشود. همین وقت است که مادر و مربی باید از دلتنگی و بی فوقی طفل جلو گیری نموده برای او بازیهای جدید نشان بدهند و دقت او را به موضوعی دیگر جلب نمایند.

صحت اطفال ...

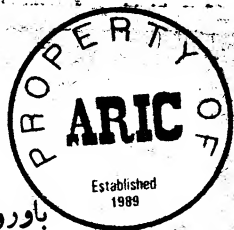
موفقیت و پیروزی اجتماع، زاده صحت و سلامت افراد آنست. بهمان
پیمانه که در يك جامعه از شیوع امراض جلو گیری شود، دامان
بدبختی و تباهی چیده می شود.

فرد سالم، قدرت و نیروی بر خورد بایش آمده های زندگی را
داشته، در میدان مبارزه با حوادث نیر و مند و تواناست و همیشه
در پرتو فکر روشن و نیروی توانای خود مؤفق است.

پس برای رفاه و سعادت جامعه از همه اولتر بایست در صدد تقویه،
تندرستی و سلامت افراد آن شد که درین زمینه مسئولیت عمده را
والدین بهمه دارند، زیرا اینان هستند که با حفظ سلامت اطفال
خویش سلامت و سعادت اجتماع را کمایی میکنند.

طفل غلیل و بیچاره، بار دوش جامعه بوده و در میدان زندگی
دست و پا شکسته می باشد نمی تواند کار کند نمی تواند بیندیشد
و با خوب و بد زمانه پنجه نرم کند.

مادران و پدران حساس و آنائیکه به سعادت فرزندان خود علاقه دارند
و آرزو مندر فاه و قوت اجتماع می باشند از همه اولتر به صحت اطفال خویش
متوجه بوده، درین راه هیچگونه اهمال و تعللی رانمی پذیرند.
کوچکترین غفلت در راه تندرستی اطفال عواقب بدی را بار می آورد
که پدران و مادران کوتاه فکر و بی مبالاات ثمر آنرا چشیده اند.
بکوشید شما ازین دسته نباشید.



غنچه ها بازمی شود

باورود تابستان موسم، طبیعت غنچه های را که در بهار باز کرده و پروده پخته میسازد. همنوا با بن راز شگرف طبیعت، مؤسسات مسئول تربیت اطفال زحمات شانرا در بازه گلهای که برای اجتماع پرورده اند جشن میگیرند. این ورود فر خنده برای اطفال جشن شادمانی است. اطفال درین روز آنچه را که از ریخته های دست و دامن مربیان خود برداشته اند به صحنه می کشند و جلو نظر شمامی گذارند. امروز آنانی که با استفاده از تفکر دیگران و با بکار انداختن دماغ و نیروی معنوی خویش دامن اجتماع را با گلهای رنگینی آراسته اند محصول زحمات خود را بشما تقدیم میکنند و از شما پاداش می خواهند. بهر طفل نیرومند و سالم، بهر کودک زیبا و خندان که نگاه میکنید و چهره شما باز می شود در حقیقت نقدیست که در بهای رنج فراوان تربیت کنندگان آنان می پردازید. باین شیوه بحوصله آنان بیفزایید. امروز یک دسته از فرزندان جامعه در برابر نگاههای شما جلو می کنند اینان غنچه های بوستان جامعه هستند که تازه شکفته و باز شده اند.

برای جامعه که مردان آینده آن از چنین اطفال نیرومند

وسایل بار میاید امروز جای مسرت و شادمانیست.

